

فلسفه یازدهم - درس هفتم - زرین کلاه - خرداد ۱۴۰۰

انبارهای شناخت ← بعد از حل شدن مسئله امکان شناخت نسبت به شناسایی
انبارهای شناخت می رسد

۱- حواس پنجگانه

- حواس عبارتند از: بینایی - شنوایی - بویایی - چشایی - لامسه
- هر کدام از حواس پنجگانه قادر به درک یک نوع کیفیت خاص در عالم خارج است
- حواس فقط برای شناخت عالم طبیعت (ماده) کاربرد دارند
- حواس خطای کمی کنند ← اما خطای پیری حواس آنرا رادار شناخت پس اعتبار نمی کند

← قادر به شناخت تجربی ← عقل با کمک یافته های حسی به کشف قوانین علوم تجربی می پردازد

۲- عقل

- تسین عقلانی مبانی وقواعد کلی علوم تجربی می پردازد

↓
قانون علت
مانند ← کشف قانون سنخیت
که یکسان و متنوعت عمل کردن طبیعت

← شناسایی حالات درونی نفس به کمک حواس بیرونی
که مانند تشنگی - درد - محبت - دشمنی

عصبانیت و خوشحالی

← بنیان گذاری دانشهای عقلی مانند فلسفه و ریاضی

خود
کشف حقایق بی واسطه از درون

← رسیدن به معرفت شهودی ← معرفتی بی واسطه است

← معرفتی که در قلب تجلی می کند

با سیر و سلوک و تهذیب نفس امکان پذیر است

۳- قلب

آنها

الف) حواس پنج گانه ← برای شناخت موجودات مادی و طبیعی و ویژگی های

حواس چقدر برای ما معتبرند؟ ← به اندازه ای که بر پایه ی آن زندگی می کنیم

از اشیاء طبیعی بهره می بریم

نیازها یمان را بر طرف می سازیم

یکی از نشانه های ارزش

و اعتبار شناخت حسی ← توانایی حس در شناخت تفاوتها و تمایزها است

شناخت تفاوتها و تمایزها ← باعث می شود ^{انسان با کمک} عقل از اشیاء مختلف استفاده های

مختلف داشته باشد

نکته ← اینکه انسان برای استفاده از اشیاء مختلف دقیقاً به سرانجام هر کدام می رود و در شناسایی آنرا استباه نمی کند به این دلیل است که حواس با درک تفاوتها به کمک عقل آمده اند ← عقل با استفاده از حواس تفاوتها و تمایزها را درک می کند.

یک سوال: گاهی اوقات حواس در درک خود دچار خطا می شوند، چرا انسان با وجود خطاهای حسی نسبت به حواس خود بی اعتماد نمی شود؟

پاسخ ← حواس ممکن است خطا کنند اما عقل انسان این خطاها را درک می کند - عقل با درایت انسان را متوجه خطاهای حسی می کند.

- اما ابزار اصلی شناسایی عالم طبیعت حواس هستند و مقدمات

شناسایی تجربی را فراهم می آورند و همواره مورد اعتماد انسان هستند

نکته ← انسان با عقل خود متوجه خطاهای حواس می شود، اینکه انسان با عقل خود این خطاها را درک می کند دلیل توانایی حواس برای درک اشیاء نیست

ب) عقل ← قادر بر درک اموری است که از راه احساس امکان پذیر نیست
لے این امور می توانند محسوس و طبیعی باشند یا معقول ^{طبیعی}

نکته ← با توجه به گفته کتاب درسی، حقایق هستند که محسوس هستند اما با حواس قابل درک نیستند و بوسیله عقل قابل درک هستند. ← مثالی ذکر شده

توانایی های عقل

۱- شناخت تجربی ← عقل به کمک حواس و تحلیل عواملی یافته های حسی، قواش

و اسرار و رموز طبیعت را کشف می کند ← پس تمام قواش

علوم تجربی توسط عقل کشف می شوند اما مقدمات این

کشف بوسیله یافته های حسی و آزمایشگاهی فراهم می آید

لے بوسیله استقرار تعمیمی انجام می شود ← مقدمات استدلال تجربی محسوس

نتایج استدلال کلی و عقلی است

قواعد عقلی و کلی که علوم تجربی بر آن استوار است بوسیله فلسفه و عقل

بررسی و اثبات می شوند ← مانند اصل علیت ← هر معلول علت دارد

اهل سنخیت ← هر معلول علت خاص و معین دارد

اصل یکنوختی عمل کردن طبیعت ← طبیعت

همواره یکسان عمل می کند

← این اصول و قواعد بوسیله عقل در فلسفه اولی اثبات می شوند

پس دانشمندان علوم تجربی بوسیله این اصول، موارد

آزمایش شده ی تجربی را به کل مجموعه تعمیم می دهند

نتیجه اینکه ← تمامی قواش کلی علوم تجربی یا تلاش و همکاری حس و عقل درست می آید

حواس موارد را تجربی تجربی آزمایش می کنند عقل با استفاده از قواعد فلسفی قواش را می نویسد

نکته ۱ - ارسطو مبانی عقلی علوم تجربی را پایه گذاری کرد

لے اوهم در فلسفه تبخّر دارد و هم بک دانشمند علوم تجربی و طبیعی است

نکته ۲ - ابن سینا با نوشتن کتاب های متعدد در توضیح و تبیین قواعد عقلی علوم تجربی نفس بسزایی ایفاء کرد

ابن سینا در گذرش اندیشه های ارسطو در باره اصل علیت تا ملات عمیق کرده و ثابت کرده که: **قانون علیت از تجربه بدست نمی آید**

قانون علیت پایه و اساس هر تجربه است
قانون علیت یکی از قواعد عقلی اولیه است که انسان در شناخت هر پدیده از آن استفاده می کند

۲ - کاربرد عقل شناسایی حالات درونی نفس بوسیله استفاده از حواس بیرونی است

لے مانند شادی - درد - عصبانیت - محبت
دشمنی و خوشحالی

نکته - انسان بوسیله عقل عمل پدایش حالات نفس مانند شادی و افسردگی را کشف می کند و در باره آن توضیح می دهد

۳ - رسیدن به دانستی های ریاضی - عقل بدون استفاده از حس و تجربه، فقط

با یک تحلیس عقلانی و چشش استدلال پیرامون

کمیت و اعداد به حقایق دست می یابد

بی عقلانی محض پیرامون کمیت و اعداد و مقادیر - رسیدن به دانش

عقلی ریاضیات

نکته ۱ ریاضیات از تبارش دقیقاً شبیه به فلسفه است

اما از جهت موضوع متفاوت است .

۴ - رسیدن به شناخت در مورد وجود هستی

← شناخت فلسفی

← **عقل** این قدرت را دارد تا در مورد کل هستی، استدلال کند

و به یک سری یافته های عقلانی محض دست یابد

یعنی عقل می تواند پیرامون کل هستی، مبدأ مقصد آن

مراتب وجود تأمل کند و به نتایجی هم برسد ← فلسفه اولی

همچنین عقل می تواند به بنیادی ترین مسایل هر کدام از علوم بپردازد

و برای یافتن پاسخ آن تلاش کند ← فلسفه های مضاف به علوم

نکته ۱ ← مسایل فلسفی نه از طریق حواس و تجربه، بلکه از طریق استدلال عقلی محض

بهرت می آید ← مانند اثبات وجود خدا و اثبات بعضی صفات برای او

نکته ۲ ← شناخت ذات خدا از محدوده درک انسان خارج است حتی با قوا و عقلی هم یافت
قادر به درک هستی ذات خدا نمی توانست.

نکته ۳ ← مسایل بنیادین در مورد کل هستی که در فلسفه اولی بهرت می آید و اثبات می شوند

اساس سایر دانش ها قرار می گیرد و انسان پایه های زندگی خویش را بر

آن بنا می نهد

نکته ۴ ← در علوم عقلی محض مانند ریاضیات و فلسفه هم ممکن است خطا رخ دهد

این خطاها مربوط به ساختار استدلالی ها (منطق) نیست بلکه ممکن

است محتوای بهرت آمده از منابع قبلی اشتباه باشد و بکارگیری آن

در استدلالی جدید موجب خطا و مغالطه شود.

ابزارهای معرفت و شناخت

قلب یا دل ← رسیدن به معرفت شهودی
← بی واسطه به حقایق دست پیرامی کند

رسیدن به معرفت شهودی ← نتیجه‌ی ← **تفویض ایمان**

← **تعالی نفس**

به تدریج و گام به گام حاصل می‌شود
← کمال طلبی همراه با عبادت خالصانه

نکته ۱ ← معرفت شهودی **تجلی حقایق در قلب است** بدون تجربه و بدون استدلال عقلی

نکته ۲ ← برای رسیدن به معرفت شهودی **سیر و سلوک و تهذیب نفس** ضروری است

نکته ۳ ← چرا معرفت قلبی را شهودی می‌خوانند؟

← چون قلب حقایق را چنان درمی‌یابد که انگار با

چشم می‌بیند

نکته ۴ ← این معرفت به معرفت عرفانی هم مشهور است

عارف و سالک الی الله (کس که در مسیر رسیدن به خدا حرکت می‌کند)

← در همین دنیا آخرت را مشاهده می‌کند

← **تمیز از عالم طبیعت، عوالم غیر مادی را هم می‌بیند**

← وجود فرشتگان را هم می‌بیند

✓ پس درک آخرت، عوالم غیر مادی و فرشتگان در این دنیا شهودی و قلبی است

نکته ۵ ← یکی از نمونه‌های معرفت شهودی، معرفت و حیاتی است



اتصال قلب پیامبر با خدا و فرشته‌دش برای دریافت

حقایق و معانی که برای هدایت بشر لازم است.

فلسفه یازدهم - درس ۷ - ۷

نکته ۶ ← گاهی اوقات خداوند کلمات و عبارات خود را به قلب پیا پیا نازل می کند و پیا پیا بیرون هیچ گونه دخل و تصرفی آنرا به مردم می رساند ← آیات قرآن

نکته ۷ ← انسان می تواند به میزان توانایی و همت خود در قرآن تأمل و تبتد کند و به حقایق دست پیدا کند .

نکته ۸ ← معرفت و حیاتی نوعی شهود عارفانه است با این تفاوت که وحی از جانب پروردگار است و دیگر شهودهای عارفانه ، مشاهده قلبی خود عارف است